

فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت

سال دهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۵
صفحه ۹۵ تا ۱۱۶

ابعاد نظری و عملی تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

مهدی نادری / استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد mahdinaderi35@gmail.com

ملیحه حاجی حسن / دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

چکیده

در منظومه فکری امام خمینی (ره) به عنوان اندیشمند بزرگ و تأثیرگذار اسلامی، مسئله تکلیف‌گرایی مبنای عملگرایی قرار گرفته و عملاً سعادت و تعالی فرد و جامعه انسانی در گرو عمل به وظیفه می‌باشد. تقدم، تاخیر یا تلازم «حق» و «تکلیف» انسانی از بنیادی‌ترین مسائل مکاتب فکری بشری بوده و هر مکتب فکری می‌کوشد با ترسیم نظام دانایی، پاسخی شایسته به این مهم دهد. در نگاه تکلیف‌گرایانه امام خمینی (ره)، پیروزی انقلاب اسلامی نتیجه عمل به تکلیف الهی و همچنین لازمه تحقق اهداف عالیه انقلاب اسلامی، تداوم و التزام به تکلیف است. نظر به اهمیت این موضوع، این پژوهش با روش هرمنوتیک متن محور، درصدد پاسخ به این پرسش است: «ابعاد نظری و عملی اصل تکلیف‌گرایی در منظومه فکری امام خمینی ره چیست؟». این مقاله می‌کوشد به تبیین اصل تکلیف‌گرایی در اندیشه امام خمینی ره بپردازد. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که: ۱. حق و تکلیف در اندیشه امام ره تلازم دارد. ۲. قاعده اولیه در این رابطه «اصل بودن تکلیف — فرع بودن نتیجه» است. ۳. عامل به تکلیف، پیروز حقیقی در دو حالت پیروزی یا شکست ظاهری است. ۴. تکلیف‌گرایی بر بنیان‌های هفت‌گانه «تکلیف به مثابه منشأ عمل»، «تکلیف یک امر همگانی»، «محدوده تکلیف، توان انسان»، «درونی و عقلانی بودن احساس تکلیف»، «شرعی بودن امر تکلیف»، «پیروزی مطلق در عمل به تکلیف»، «واجب بودن ادای تکلیف» استوار شده است. ۵. تکلیف‌گرایی در اندیشه امام ره متشکل از ارکان عبادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی است. ۷. حفظ نظام جمهوری اسلامی از بزرگترین تکالیف مسلمانان است. ۸. پیامد تکلیف‌گرایی در بعد فردی، اطمینان قلبی و در بعد جمعی حفظ مکتب الوهیت محمدی (ص) است.

کلیدواژه: امام خمینی (ره)، تکلیف‌گرایی، حق‌گرایی، اسلام، سیاست.

تاریخ تأیید ۱۳۹۵/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

مقدمه

مسئله «حق و تکلیف» انسان، از مبنایی‌ترین مباحث علوم انسانی است که تاریخ تفکر از یونان کلاسیک تا دوران جدید گویای جستار‌گشایی متفکران در این رابطه است. اینکه انسان‌شناسی یک متفکر بر مبنای حق‌گرایی استوار گردد یا تکلیف‌گرایی یا اینکه متفکر تلاش کند بین حق‌گرایی و تکلیف‌گرایی تلازم ایجاد کند؛ تفاوت‌های معناداری در بینش، گرایش و رفتار انسانی در بعد هنجاری و تجویزی پدید خواهد آمد.

نظر به تفاوت ابعاد هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی مکاتب فکری، برداشت‌ها و تفاسیر مختلفی از مسئله تکلیف، حق و اراده انسانی شده است. دیدگاه برخی از متفکران در رابطه با حق و تکلیف بر مبنای عقلانیت دینی و دیدگاه برخی دیگر از متفکران بر مبنای تجربه و عقلانیت مدرن استوار شده است. در یک دید مقایسه‌ای از تاریخ تفکر اسلامی و غرب می‌توان اجمالاً به این نکته اشاره کرد که در دوران جدید، در تفکر اسلامی غلبه تفکر در میان اندیشمندان علوم انسانی بر تکلیف‌گرایی و در تفکر غرب - لیبرالیسم - بر حق‌گرایی بوده است (برای نمونه نک: سروش، ۱۳۷۶: ۴۳۴ و ۴۲۲-۲۳). البته این نکته بدین معنا نیست که تمامی متفکران در این دو نحله فکری چنین نگاهی داشته یا در دوران تفکر کلاسیک و مدرن ضرورتاً چنین غلبه‌ای از حق‌گرایی و تکلیف‌گرایی بر این دو نحله فکری حاکم بوده است.

در قرن بیستم در عرصه تفکر سیاسی - اجتماعی مسلمانان، به نظر می‌رسد سه متفکر بزرگ یعنی امام خمینی (ره)، ابوالاعلی مودودی و سید قطب به ترتیب در ایران، شبه قاره هند و جهان عرب بیشترین تأثیرگذاری را داشته‌اند. در این میان، عمق اندیشه و عمل‌گرایی امام خمینی (ره) منجر به انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در ایران شد و می‌توان چنین نتیجه گرفت که شعاع تفکر و اقدام امام ره در مقایسه با دیگر متفکران مسلمان، بی‌بدیل و همچنان روشن و تأثیرگذار است. نگاهی به آثار برجامانده از امام ره بیانگر آن است که در ادبیات دینی، سیاسی و اجتماعی ایشان به عنوان یک متفکر عالم و عامل، مسئله «تکلیف» به مثابه یک امر شرعی که وجوه سیاسی - اجتماعی دارد؛ موج می‌زند. منشا و مبنای کنش اجتماعی و سیاسی امام در نهضت انقلاب اسلامی، براساس اصل تکلیف است. امام ره فلسفه قیام و براندازی رژیم پهلوی، ایستادگی در جنگ تحمیلی، وحدت مسلمین، عزل قائم مقام رهبری و ده‌ها تحول بزرگ اجتماعی و سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای وظیفه‌گرایی تبیین می‌نماید.

در تفکر امام خمینی مسئله «تکلیف» همچون نقطه درخشانی در منظومه فکری ایشان می‌درخشد و گویی که تکلیف شالوده عمل انسانی، و حرکت جامعه در جهت تعالی، تکامل و

سعادت جامعه است. تدقیق و شناخت اصل تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی ره برای جامعه اسلامی از دو جنبه حایز اهمیت است. از یک سو، مبنای حرکت انقلابی امام ره و تشکیل حکومت اسلامی مشخص می‌گردد و از سوی دیگر، «تکلیف» جامعه اسلامی برای حفظ این امر خطیر و مهم، روشن می‌شود. نظر به اهمیت مسئله تکلیف‌گرایی، این نوشتار با روش هرمنوتیک متن محور، درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است: «ابعاد نظری و عملی اصل تکلیف‌گرایی در منظومه فکری امام خمینی (ره) چیست؟».

۱. مبانی نظری

۱-۱. تکلیف‌گرایی در فلسفه سیاسی غرب

در مغرب زمین، دیدگاه‌های مکتب اصالت تکلیف ریشه در آراء کانت دارد (سروش دباغ، ۱۳۸۸؛ ۷۲). به اعتقاد کانت، بسیاری از متفکران تکلیف را به اخلاقی و حقوقی، امر پسندیده و نکوهیده، عقلی و نقلی تقسیم کرده‌اند. هرچند در اندیشه متفکران غرب بیشتر به تقسیم اخلاقی - حقوقی توجه شده است. این متفکران سعی کرده‌اند که تکلیف را در رابطه با یک امر اخلاقی تعریف نمایند (کانت، ۱۳۷۸؛ ۵۷). دیدگاه‌های کانت در باب آزادی، اختیار و تکلیف در رساله‌ای با عنوان *قانون اخلاقی* ذکر شده است. کانت تکالیف را در جامعه به دو قسم، تقسیم می‌نماید: اول، تکالیف قانونی: تکالیفی که به موجب قوانین موضوعه بر مردم الزام می‌شود و تخلف از آن، پیگردهای حقوقی و قضائی دارد. دوم، تکالیف فضیلتی: تکالیفی که الزامش درونی و ناشی از وجدان اخلاقی است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۹؛ ۳۷-۳۸). نقطه عزیمت فلسفه اخلاق در دیدگاه کانت، «اراده نیک» است. اراده نیک در دیدگاه کانت اراده‌ای است برای ادای تکلیف بر طبق یک قاعده جهانشمول. به عنوان مثال، فردی که «دروغ نمی‌گوید» بدان جهت است که «دروغ گفتن» نمی‌تواند به یک قاعده عام — همگان دروغ بگویند — تبدیل شود (پولادی، ۱۳۸۲؛ ۱۳۰). در دیدگاه کانت، امر اخلاقی و وظیفه (تکلیف) انسانی ارتباطی تنگاتنگ دارند: «آدمی باید سعادت خود را نه از روی میل (تمایل) بلکه از روی وظیفه بجوید، و از این رهگذر است که رفتار او (در وهله اول) نخست ارزش راستین اخلاقی می‌یابد» (به نقل از محمودی، ۱۳۸۳؛ ۸۸). سنت وظیفه‌گرایی در قرن بیستم توسط فیلسوفانی چون جورج ادوارد مور، ویلیام دیوید راس و هارولد آرتور پرپچارد بسط داده شد (سروش دباغ، ۱۳۸۸؛ ۷۲).

۲-۱. تکلیف‌گرایی در تفکر سیاسی اسلامی

تکلیف در اصطلاح دینی، اینگونه تعریف شده است: «تکلیف خطاب الهی را گویند که متعلق به افعال بندگان است از جهت اتصاف به حسن و قبح بر سبیل اقتضا یا بر سبیل تخیر.

پس هر تکلیفی از تکالیف بندگان هم عقلی است و هم نقلی که هر دو از منابع شریعت‌اند» (لاهیجی، ۱۳۷۲: ۷).

روح تکلیف‌گرایی در آیات قرآن و روایت معصومین علیهم السلام برجسته و ابعاد فردی و اجتماعی دارد. در بعد فردی تکلیف‌گرایی، تکلیف «عبادت» بالاترین و عالی‌ترین فلسفه آفرینش ذکر شده است. در این آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) و آیاتی چون «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» (طه/۱۲۲) دلالت تفسیری بر تکلیف انسان بر انجام عبادت می‌باشد. در بعد اجتماعی تکلیف‌گرایی؛ تکالیف «جهاد» در آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ بَقَرَه/۱۸۲»، تکالیف «امر به معروف و نهی از منکر» در آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ/حج/۴۱» و تکالیف «اطاعت» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ/نساء/۵۹» به ترتیب بر تکلیف انسان‌ها برای ایجاد جامعه امن، زدودن رذایل اخلاقی و حاکم کردن فضایل اخلاقی و نفی تفرقه و التزام به وحدت و همدلی با تمسک به ولایت الهی و معصومان حکایت دارد.

در کلام نورانی ائمه اطهار علیهم السلام برای هر تکلیفی، دلایلی مطرح شده است تا پیروان به فلسفه تکالیف، آگاهی پیدا کنند. فاطمه زهرا علیها السلام، در رابطه با فلسفه تکلیف نماز چنین می‌فرماید: «وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ» (مجلسی (ره)، ج ۲۹: ۲۲۲) و یا حضرت امیر علیه السلام در رابطه با فلسفه تکلیف روزه می‌فرماید: «وَالصَّيَامُ ابْتِلَاءٌ لِاخْتِلَاصِ الْخَلْقِ» (امام علی (ع)، حکمت ۲۵۲). در بیانات امام علی علیه السلام، امر به معروف و نهی از منکر برای حاکم کردن ارزش‌های انسانی و مانع شدن از حاکم شدن اشراری است که حقوق اجتماعی را سلب می‌نمایند: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَكِّدَ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ» (امام علی (ع) ۹۶/نامه ۴۷). در کلام نورانی فاطمه الزهراء (علیها السلام) فلسفه اطاعت خاندان نبوت و رسالت اینگونه بیان شده است: «طَاعَتْنَا نِظَامًا لِلْمَلَكَةِ وَ أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ» (قزوینی، ۱۳۹۲: ۴۸۴) اطاعت ما خاندان امامت موجب نظام بخشی برای ملت و ولایت ما عامل امنیت مردم از مشاجره و اختلاف است.

در فلسفه سیاسی اسلام تکلیف دو ویژگی کلی دارد: اول آنکه، امری همگانی یعنی شامل تمام افراد و اقشار جامعه است. و دوم آنکه، تابع توان و قدرت انسانی می‌باشد: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/آیه ۲۸۶). لذا انسان بودن انسان، ایجاب می‌کند که مکلف باشد. از آن جهت که انسان‌ها برخوردار از دو عنصر عقل - توانایی اندیشیدن - و اختیار - توانایی گزینش -

هستند لذا تکلیف امری عمومی و همگانی است. در تفکر اسلامی، میان تکلیف و حق تلازم وجود دارد. این تلازم در دو سطح قابل پیگیری است:

یک. تلازم حق و تکلیف فردی: انسان در زندگی فردی حقوق بسیاری دارد و لازم است به همه آنها التزام داشته باشد. در رساله حقوق امام سجاد (ع)، بسیاری از حقوق فردی و جمعی ذکر شده است. انسان‌ها در مقابل این حقوق، مکلف و موظف هستند.

دو. تلازم حق و تکلیف اجتماعی: در حیات اجتماعی، لازمه هرگونه حقی برای افراد در جامعه، انجام تکلیفی از جانب دیگری است. حضرت امیر(علیه السلام) در رابطه با حقوق اجتماعی و تکلیف مقابل آن، چنین می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقاً أَفْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ فَجَعَلَهَا تَنَكُّافاً فِي وُجُوهِهَا وَ يُوجِبُ بَعْضُهَا بَعْضاً وَ لَا يُسْتَوْجَبُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ» پس خدای سبحان برخی از حقوق خود را برای بعضی از مردم واجب کرد و این حقوق را در برابر هم گذاشت، که برخی از حقوق برخی دیگر را واجب گرداند و حقی بر کسی واجب نمی‌شود مگر همانند آن را انجام دهد (امام علی (ع)، خطبه ۲۱۶: ۲۵۸).

در نگاه متفکران شیعی، تکلیف یک موهبت الهی و نه یک بار سنگین است. در واقع، انسان به منظور پیمودن مسیر سعادت نیازمند ابزارهای مطمئن و قدرتمندی همچون تکلیف است. از این منظر است که شهید مطهری، مسئولیت و تکلیف را معیاری برای انسانیت قلمداد می‌نماید: «انسان آن کسی است که در مقابل انسان‌های دیگر احساس مسئولیت و تکلیف کند». شهید مطهری چنین نگاهی به مسئله تکلیف را برآمده از قرآن می‌داند. شهید مطهری با استناد به آیه ۷۲ سوره احزاب (أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا) معتقد است که قبول «یحملنا» از جانب انسان، بیانگر بدوش کشیدن مسئولیت و تکلیف است. از اینرو، تکلیف و وظیفه که در تعبیر قرآنی از آن به امانت یاد شده است بخاطر برخورداری انسان از نیروی ابتکار، عقل و خلاقیت تنها مختص به او بوده و بر غیر انسان روا نیست همانطوری که دلالت آیه قرآن بر ناتوانی تمامی مخلوقات آسمانی و زمینی برای قبول کردن امانت الهی بدلیل فقدان استعداد حکایت دارد (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۲۳).

آیت الله جوادی آملی در کتاب «حق و تکلیف در اسلام» به این نکته اشاره می‌کند که مسئله حق و تکلیف در گذشته مسئله‌ای فقهی — حقوقی بوده است. حال آنکه، در حال حاضر شباهت فراققهی و مناقشات جدید فقهی و کلامی در رابطه با این مسئله مطرح شده است. آیت‌اله جوادی آملی مسئله تکلیف را در ارتباط با دو موضوع «حق» و «انسان» مورد بررسی

قرار می‌دهد. به باور ایشان، انسان از منظر دینی موجودی هدفمند است لذا می‌بایست نگاه به دین و تکلیف، هدفدار باشد. آیت اله جوادی آملی با اسناد به روایتی از امام باقر علیه السلام - در پاسخ به چرایی حرام بودن خمر و مردار - مقتضای تکلیف انسان در مقابل حرام و حلال الهی را حکمت خداوند می‌داند؛ و بر این نکته اذعان دارد که تکالیف به منظور نائل آمدن انسان و جامعه انسانی به هویت جامعه‌ی آرمانی، احیای حق فردی و اجتماعی و در نتیجه لازمه تعالی انسانی می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۹).

آیت اله جوادی آملی با پیوند زدن تکلیف با «اختیار و اراده» انسانی بر «مسئولیت‌پذیر بودن انسان» تأکید دارد. به باور ایشان، چنانچه انسان با اختیار و آزادی خویش عملی انجام دهد خود را ملزم به رعایت حقوق دیگران و قوانین جامعه می‌داند. از اینرو در دیدگاه ایشان، حق و تکلیف تلازم داشته و ارتباط تکلیف با زندگی فردی و اجتماعی، بر مبنای مسئولیت‌پذیری انسان می‌باشد. و این امر بدین خاطر است که حقوقی را که دین اسلام مطرح نموده است؛ انسان‌ها با اختیار جامعه عمل پوشانند. آیت اله جوادی آملی، «تکالیف الهی را به مثابه‌ی داروهای برای درمان دل‌های بیمار و جامعه بیمار» می‌داند که البته این تکالیف همچنین منشایی عقلانی دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۳).

۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با مسئله تکلیف‌گرایی در منظومه فکری امام خمینی ره تاکنون کتاب مستقلی منتشر نشده است البته برخی از نویسندگان در ذیل بررسی اندیشه امام ره، اجمالاً به این اصل اشاره نموده‌اند. به عنوان مثال، جمشیدی (۱۳۸۸) در کتاب خود با عنوان «اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» در ذیل گفتار حق و قانون به مسئله حق و تکلیف در اندیشه امام پرداخته است. بررسی مقالات پژوهشی منتشر شده در اندیشه امام ره بیانگر آن است که مسئله تکلیف به مثابه یک موضوع مستقل، تنها در دو مقاله توسط نویسندگان پیگیری شده است. فتحی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «مناسبات مصلحت و تکلیف در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» به مفهوم مصلحت و تکلیف در اندیشه امام (ره) را مورد بررسی قرار داده و انواع آن را مطرح نموده است. هزاوه‌ای و بیرامی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه اصل تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی ره» نسبت بین تکلیف و نتیجه را مورد بحث قرار داده است.

مقاله حاضر از حیث کاربست روش - هرمنوتیک متن محور - و همچنین از آن جهت که تلاش کرده است نگاهی منظومه‌ای و جامع به مسئله تکلیف‌گرایی در ابعاد مختلف (اصول،

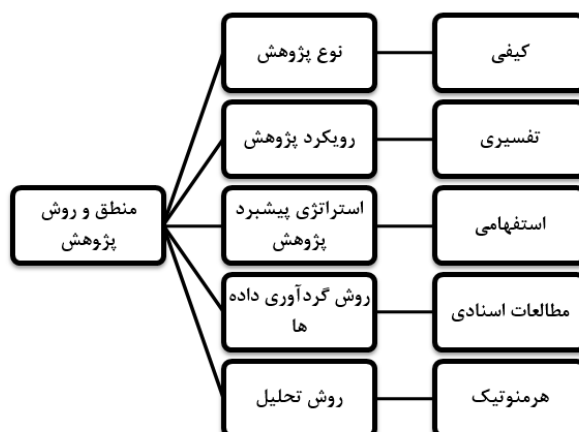
قاعده، ارکان، انواع، نتیجه و بزرگترین تکلیف) در اندیشه امام خمینی (ره) داشته باشد؛ اثری نو و بدیع به شمار می آید.

نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف یا سؤال اصلی	روش استفاده شده	مهم ترین یافته ها
هزاوه ای و بیرامی (۱۳۹۴)	تکلیف گرایی در اندیشه امام چه جایگاهی دارد؟	توصیفی - تحلیلی	اصل بر عمل به تکلیف و نتیجه در دل آن
فتحی (۱۳۷۸)	چگونگی مناسبات تکلیف و مصلحت	فاقد روش	مصلحت گرایی در تفکر امام ره در خلاف مسیر عرفی شدن

۳. منطق و روش پژوهش

از میان دوگانه پژوهش های کمی یا کیفی، این پژوهش جزء پژوهش های کیفی به شمار می آید. در پژوهش های کمی بر فرآیندهای «استقرایی، تئوری ساز، ذهنی و غیر اثباتی» و در روش های کیفی بر فرآیند «استنتاجی، تئوری ساز، ذهنی و غیر اثباتی» تأکید می شود (مک ناب، ۱۳۹۴: ۴۳۲). از میان رویکردهای سه گانه اثباتی، تفسیری و انتقادی به انجام پژوهش، رویکرد این پژوهش تفسیری می باشد. در رویکرد تفسیری هدف از انجام پژوهش معناکاوای یا فهم رفتار و گفتار می باشد و با روش های تحلیل پژوهش های کیفی ملازمت دارد. دنیای سیاست، قلمرو معانی است که انسان ها خلق می نمایند و با اتکاء به آن معانی، روابط و مناسبات سیاسی مابین خود را درک می نمایند (سید امامی، ۱۳۹۱: ۴۶ و ۴۱). امام ره در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی معاصر، برای تفهیم و اقدام کنشگران، معانی را خلق کرده است. یکی از معانی خلق شده توسط امام ره که موضوع این پژوهش می باشد؛ تکلیف گرایی است. پژوهشگران برای پیشبرد پژوهش می بایست از میان استراتژی های چهارگانه استقرایی، قیاسی، پس کاوی و استفهامی دست به انتخاب بزنند. استراتژی پیشبرد این پژوهش استفهامی است. هدف از این استراتژی، کشف شیوه کنشگران در مفهوم سازی، و معنابخشیدن به جهان اجتماعی می باشد (بلیکی، ۱۳۸۹: ۱۵ و ۲۵). شیوه گردآوری داده ها مبتنی بر مطالعات اسنادی و به صورت فیش برداری از مجموع آثار برجای مانده از امام ره بوده است. پژوهشگران از روش های متعددی نظیر تئوری داده بنیاد، تحلیل گفتمان، مقایسه، هرمنوتیک و... برای تحلیل داده های کیفی استفاده می کنند (سید امامی، ۱۳۹۱: ۴۸۰-۴۹۰). نظر به اینکه موضوع این

پژوهش، در حوزه مطالعاتی اندیشه سیاسی — و خاصاً فلسفه سیاسی — قرار دارد لذا بهترین روش تحلیلی برای فهم تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، «هرمنوتیک متن‌گرا» است. هرمنوتیک، روشی برای فهم و ادراک و نه منحصرآمتون نوشتاری و معنایی متن است (حریری، ۱۳۸۵: ۲۸۱). هرمنوتیک دامنه گسترده‌ای از نحله‌های مختلف نظیر هرمنوتیک فلسفی (گادامر)، هرمنوتیک روشی (مولف محور، متن محور، و مفسر محور)، هرمنوتیک انتقادی، هرمنوتیک هنجاری (هابرماس) و هرمنوتیک تردیدی (نیچه) را در بر می‌گیرد. به اعتقاد صاحب‌نظران اسلامی، امکان کاربست تمامی نحله‌های هرمنوتیکی در مطالعات اسلامی وجود ندارد. با این حال، سنت مطالعات اسلامی نیز با روش‌های هرمنوتیکی بیگانه نبوده است: «مباحث پژوهشگران دینی ما در زوایای مختلف... در زمینه تفسیر مشابه نظریات هرمنوتیکی است؛ گرچه نام هرمنوتیک بر آن نهاده باشند» (واعظی، ۱۳۸۹: ۵۲). از اینرو، برخی از نویسندگان در نقد و بررسی کاربرد هرمنوتیک در مطالعات اندیشه‌ای اسلام اقدام به تفکیک دوگانه کرده‌اند: اول، «هرمنوتیک مردود و ناهمساز با تفکر اسلامی» که از جنس هرمنوتیک فلسفی، انتقادی یا تردیدی است. دوم، «هرمنوتیک مقبول، همساز و قابل کاربرد در اندیشه اسلامی» که می‌تواند ترکیبی محققانه از هرمنوتیک روشی باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۴۶۰-۴۶۳). در این پژوهش نگارندگان (به مثابه مفسر) با کاربست هرمنوتیک متن محور، تلاش کرده‌اند با محور قرار دادن متون برجای مانده از امام ره (به مثابه متن)، ابعاد معنایی تکلیف‌گرایی در نیت امام ره (به مثابه مولف) مورد مذاقه قرار دهند. در فرآیند روش هرمنوتیکی، مفسر تلاش می‌کند هموار با طی طریق کردن از جزء به کل و از کل به جزء به معنای حقیقی متن نزد مولف دست یازد.



۴. ابعاد نظری تکلیف‌گرایی در منظومه فکری امام خمینی (ره)

بررسی آثار و افکار امام خمینی (ره) بر این نکته تأکید دارد که مسئله تکلیف در منظومه فکری ایشان یک امر شرعی و عقلی است که می‌بایست ابعاد معرفتی آن تبیین گردد.

۴-۱. بنیان‌های هفت‌گانه تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

یک. تکلیف به مثابه منشأ عمل

سؤال در رابطه با «منشأ عمل»، از سؤالاتی است که همواره بین فیلسوفان سیاسی مطرح بوده و هر نحله فکری به گونه‌ای به آن پاسخ داده‌اند. در فلسفه سیاسی غرب، سه رویکرد فکری فضیلت‌گرایی، وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی در پاسخ به این سؤال شکل گرفته است: «منشأ یک عمل، کنش یا رفتار فردی و جمعی به چیست؟». یک رفتار سیاسی ممکن است فضیلتی — مثل عمل به عدالت — را در جامعه تعقیب نمایند (فضیلت‌گرایی). یا ممکن است از باب وظیفه — مثل فداکاری برای وطن — انجام گیرد (وظیفه‌گرایی). و یا در نهایت ممکن است بخاطر منفعت و سودمندی — مثل طرفداری از یک حزب — انجام گیرد (نتیجه‌گرایی) (نک: شریعت و نادری، ۱۳۹۲: ۵-۸).

در نگاه امام (ره)، به نظر می‌رسد منشأ یک عمل در تکلیفی است که احساس می‌شود. به بیانی دیگر، ارزش عمل نه به فایده — آنگونه که فایده‌گرایان می‌گویند — و نه به نتیجه فایده‌ عملی رفتار مثبت — آنگونه که پراگماتیست‌ها می‌گویند — بلکه به «تکلیف و وظیفه‌ای» است که در ما ایجاد می‌شود. امام (ره) در این رابطه چنین می‌فرماید: «ما تکلیف شرعی داریم عمل می‌کنیم و مقید به این نیستیم که پیش ببریم» (امام خمینی (ره)، ج ۸: ۹). ایشان همچنین در تحلیل عملکرد حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «حضرت امیر تکلیف داشت به اینکه با او جنگ بکند، چه شکست بخورد، چه شکست بدهد» (امام خمینی (ره)، ج ۴: ۱۵۱).

دو. تکلیف یک امر همگانی

بر اساس منظومه فکری امام (ره) تکلیف، امری همگانی بوده که شامل تمام افراد و اقشار جامعه می‌شود. از آنجا که انسان اولاً موجودی عاقل و در ثانی مختار است لذا ایجاب می‌کند که مکلف باشد و احساس تکلیف نماید. ایشان در رابطه با همگانی بودن تکلیف چنین می‌فرمایند: «امروز تکلیف به همه طبقات متوجه است... همه مکلف هستند به مقدار میسور» (امام خمینی (ره)، ج ۱: ۲۱۸). همچنین به لزوم احساس تکلیف نمودن اقشار مختلف جامعه تأکید دارند: «همه قشرها برای خودشان تکلیف فرض کنند، بگویند ما موظفیم» (امام خمینی (ره)، ج ۷: ۵۲۲).

سه. توان انسان محدوده تکلیف

امام (ره) با استناد به آیه قرآنی « لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا » (بقره/۲۸۶) حد تکلیف را وسعت و توان انسانی می‌داند. امام ره در این باره چنین می‌فرماید: «امروز تکلیف به همه‌ی طبقات متوجه است... همه مکلف هستند به مقدار میسور.» (امام خمینی (ره)، ج ۱: ۲۱۸) و در جایی دیگر در این رابطه همچنین می‌فرماید: «ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم» (امام خمینی (ره)، ج ۲۱: ۱۵)

چهار. درونی و عقلانی بودن احساس تکلیف

در دیدگاه امام، مسئله احساس تکلیف امری درونی، باطنی و عقلانی است. نتیجه آنکه انسان صرفاً از منظر درون دینی و شرعی به مسئله تکلیف نمی‌نگرد بلکه انسان به صرف انسان بودن در خود احساس تکلیف کردن را درک می‌نماید. امام خمینی رویارویی و مقابله با ظلم و ستم را از این منظر — فراتر از امر شرعی — نیز می‌نگرند: «همه تکلیف وجدانی داریم، تکلیف شرعی داریم، تکلیف عقلی داریم که با این جمعیت مظلومی که قیام کردند و می‌خواهند حق خودشان را بگیرند، ما هم با آنها همراهی می‌کنیم.» (امام خمینی (ره)، ج ۳: ۵۲۳).

پنج. شرعی بودن امر تکلیف

در نگاه امام (ره)، از آن جهت که عقل با شرع تلازم دارد؛ فراتر از بنیانی که پیشتر ذکر شد - تکلیف امری عقلانی و وجدانی است - تکلیف امری شرعی است. لذا افزون بر تأثیرات وضعی این جهانی، پادش و کیفر اخروی یا فرااین جهانی در پی دارد. ایشان در این رابطه چنین می‌فرمایند: «و مسئله، تکلیف شرعی الهی است، کسی نمی‌تواند تخلف بکند» (امام خمینی (ره)، ج ۳: ۱۳۰). امام با چنین نگاهی به تکلیف، منشأ آن را قرآنی می‌داند: «تکلیف ما و وظیفه ما را قرآن تعیین می‌کند» (امام خمینی (ره)، ج ۳: ۳۴۸)

شش. پیروزی مطلق در عمل به تکلیف

به اعتقاد امام خمینی (ره)، انسان مکلف به انجام تکلیف است و در این مسیر، خواه انسان به نتیجه رسد یا به نتیجه مدنظر نائل نیاید در هر دو صورت پیروز خواهد بود. امام برای تدقیق این مسئله، به شکست حضرت امیر (ع) در جنگ با معاویه و قیام امام حسین (ع) اشاره می‌کند و از آن جهت که این بزرگواران به تکلیف الهی خود عمل کرده‌اند آنها را پیروز واقعی می‌داند: «ما مکلفیم، خدا به ما تکلیف کرده است، که با این مخالفین اسلام و مخالفین ملت اسلام معارضه کنیم، یا پیش می‌بریم یا نمی‌بریم. اگر پیش بردیم که الحمد الله هم به تکلیفمان عمل کرده‌ایم

و هم پیش بردیم و اگر هم مردیم و کشته شدیم به تکلیفمان عمل کردیم، ما چرا بترسیم؟ ما شکست نداریم. شکست برای ما نیست برای اینکه از دو حال خارج نیست یا پیش می‌بریم که پیروز هم شدیم، یا پیش نمی‌بریم که پیش خدا آبرومندیم. اولیای خدا هم شکست می‌خورند. حضرت امیر در جنگ معاویه شکست خورد. امام حسین (علیه السلام) هم در جنگ با یزید شکست خورد و کشته شد، اما به حسب واقع پیروز شدند. آن‌ها شکست ظاهری و پیروزی واقعی بود. اگر ماها هم که برای خدا می‌خواهیم کار بکنیم، شکست هم بخوریم، تکلیف را عمل کردیم، و به حسب واقع هم پیروزی با ما خواهد شد.» (امام خمینی (ره)، ج ۹: ۴۱۰).

هفت. واجب بودن ادای تکلیف

در دیدگاه امام خمینی (ره)، ضرورت انجام تکلیف قائم به عوامل بیرونی و یا فردی نیست یعنی اینگونه نباید تصور کرد که انجام تکلیف منوط به فرد یا گروه خاصی است. امام ره در نقد کسانی که قوام جمهوری اسلامی را به اشخاص می‌دانستند یا اینگونه اذعان عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دادند که چنانچه فلان شخص در جمهوری اسلامی فوت کند مردم دیگر برای پیشبرد امور در صحنه نیستند بر وجوب ادای تکلیف و پایمردی مردم در انجام تکلیف الهی تأکید دارند: «انشاء الله که جمهوری اسلامی باقی است چه ما باشیم، چه اشخاص باشند چه نباشند. همین‌ها بودند که شادی می‌کردند برای اینکه ... هفتاد - هشتاد نفر از دوستان ما را، از بزرگان را از بین بردند، شادی می‌کردند که جمهوری از بین رفت، تمام شد دیگر. دیدند که ابداً تمام نشد و مردم ریختند بدتر از اول، بالاتر از اول، ریختند در خیابان‌ها و چه کردند... ملت ما، ارتش ما، سپاه ما و همه قوای مسلحه ما یک تکلیف ادا می‌کنند. این مثل این است که گفته بشود که اگر فلانی رفت و فلانی رفت، مردم نماز نمی‌خوانند. تکلیف است، به رفتن کسی مردم دست از نمازشان بر نمی‌دارند، به رفتن کسی نمازشان را، حجتشان را دست از آن بر نمی‌دارند» (امام خمینی (ره)، ج ۲۰: ۱۵۰).

۴-۲. دامنه تکلیف‌گرایی

در دیدگاه امام خمینی (ره) همه اقشار جامعه با توجه به استعدادها و سرمایه‌هایی که در اختیار دارند مکلف و موظف هستند و اینگونه نیست که یک طبقه یا قشر اجتماعی از تکلیف مستثنی باشد. افراد در جامعه باید موقعیت و جایگاه خود را شناخته و متناسب با آنها، تکلیفی که بر دوش دارند را انجام دهند. طبقات اجتماعی در واقع با انجام تکالیف خود، حقوق دیگران را رعایت می‌نمایند.

یک. تکلیف کارگزاران حکومت

به اعتقاد امام (ره) تکلیف اولیه کارگزاران حکومت اسلامی حفظ وحدت و انسجام است تا با تحقق آن، زمینه‌های از فتنه‌ها و پیشرفت و تعالی کشور محقق شود: «در این حال تکلیف و وظیفه همگان به ویژه روحانیون معظم و مجلس و دولت و قوای مسلح بسیار حساس و سنگین است. اینان حافظان این وحدت و انسجامند و با اعمال شایسته خود می‌توانند اسلام و کشور را از بیان این فتنه‌های غم‌انگیز نجات دهند» (امام خمینی (ره)، ج ۱۸: ۴۶۹).

در جایی دیگر امام (ره) وظیفه کارمندان دولت را خدمت به وطن و رفع ظلم به مظلومان جامعه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «ما بیش‌تر ثابت کردیم که کارمندان دولت هر کدام به وظیفه‌ی خود عمل کنند که خدمت به توده و وطن و رفع ظلم و ستمکاری از افراد بیچاره مظلوم است. ما آن مامور را ستایش می‌کنیم و کار او را عدالت و خود او را مومن به حق می‌دانیم.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۲۳: ۲۴۰).

دو. تکلیف علماء و روحانیون

در دیدگاه امام خمینی (ره)، علماء و روحانیون نماینده اسلام هستند. از اینرو امام ره، نسبت به رفتار و عملکرد روحانیون حساس بوده و تزکیه نفس را به عنوان یک واجب عینی نسبت به آنها لازم می‌داند: «شکست روحانیت، شکست اسلام است. یعنی آنی که اسلام را تا اینجا آورده است روحانیون بوده‌اند. آنی که اسلام را همه احکام اسلام را ضبط کرد. همه قشر روحانی است. اگر خدای نخواست از ما یک چیز فلانی ببینند کم کم یکوقت به آنجا برسد که مردم ما را برخلاف مسیر اسلام ببینند و به ما پشت بکنند. بنابراین یک تکلیف الهی به طور وجوب عینی بر همه‌ی افراد ما طلبه‌ها و روحانین است و آن حفظ خودمان.» (امام خمینی (ره)، ج ۱: ۲۵). به اعتقاد امام ره، مردم نسبت به تکلیف الهی خود مبنی بر تبعیت از علماء واقف هستند لذا می‌بایست جنبه فقه‌ای حوزه‌های علمیه حفظ گردد: «برای اینکه ملت شما را به عنوان فقها، به عنوان علما دینی می‌شناسد و تکلیف الهی خودش را تبعیت می‌داند، پس حفظ این حوزه‌های فقه‌ای، حفظ این حوزه‌های علمی به همان معنایی که سابق بود، باید بماند.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۵: ۲۱۸). امام ره در دوران مبارزاتی علیه رژیم پهلوی، وظیفه خطیر روحانیت را برنامه ریزی برای پایگذاری دولت حقه اسلامی می‌داند: «وظیفه ما این است که از حالا برای پایه‌ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کنیم، تبلیغ کنیم. تعلیمات بدهیم، همفکر بسازیم، یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود بیاوریم، تا یک جریان اجتماعی پدید آید، کم کم توده‌های آگاه

وظیفه شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شد، قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳: ۱۱۶).

البته امام خمینی (ره) علاوه بر تکلیف سنگین روحانیون نسبت به مردم، برای مردم و دولت نیز نسبت به روحانیون تکالیفی مشخص می‌کند: «وظیفه مردم خصوصاً دولت آن است که در بسط نفوذ آنان (روحانیت) جدیت و کوشش کنند که با این قوه، حفظ استقلال مملکت و عظمت کشور در مقابل سیاست‌های خارجی و حفظ امنیت و آرامش در داخل کشور بهتر و بالاتر از هر قوه می‌توان کرد.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۲۳: ۲۰۸).

سه. تکلیف توده مردم

در وقایع اجتماعی و سیاسی، توده مردم نقش پیرو داشته و چنانچه به درستی هدایت و رهبری نشوند زمینه انحراف و بیراهی جامعه از مسیر تعالی را فراهم می‌سازند. امیرالمومنین (علیه السلام) مردم را به سه دسته تقسیم می‌نماید و می‌فرماید: «مردم سه دسته‌اند: عالم ربانی، جویای علم که در طریق نجات است و سوم دنباله رو بی‌هدف (همچ رعاع) که پیروان هر بانگی هستند و با هر بادی به سویی می‌روند» (امام علی (ع)، سخن ۱۴۳: ۹۰۸). در مقایسه با اکثریت پیرو جامعه، عالمان ربانی و جویندگان علم اقلیتی محدود از جامعه هستند. از اینرو وظیفه رهبری فرزانه جهت‌دهی مردم و وظیفه مردم در سطح کلان پیروی از آنها است. امام خمینی (ره) به عنوان رهبر دینی برخی از وظایف کلان مردم را به آنها گوشزد می‌کند:

یک. مشارکت فعال سیاسی: امام ره در عرصه سیاسی اجتماعی با اصل قرار دادن حق تعیین سرنوشت تکلیف شرعی مردم را مشارکت فعالانه در امور سیاسی می‌داند: «یک مسئله است، تکلیف است، ما مکلفیم به اینکه در امور دخالت کنیم. ما مکلفیم در امور سیاسی دخالت کنیم، مکلفیم شرعاً. همان طور که پیغمبر می‌کرد، همان طور که حضرت امیر می‌کرد... چند روز دیگر. اینکه عرض کردم تکلیف چیست، تکلیف ملت چی است، چند روز دیگر مسئله انتخاب رئیس جمهور است» (امام خمینی (ره)، ج ۱۵: ۱۵).

دو. مشارکت در تامین امنیت: در نگاه امام ره، حاکمان خادمان مردم و مردم مالکان حقیقی مملکت هستند از اینرو لازم است حسب تکلیف شرعی، مردم در امنیت مشارکت داشته باشند: «من به حسب تکلیف شرعی به همه عرض می‌کنم که هر منزلی، این دو سه تا منزلی که در اطراف خانه خودش است، نظر بکند ببیند چه جور می‌گذرد در سرتاسر ملت وقتی مملکت مال خود شما هست و دارند بر ضد مملکت شما عمل می‌کنند.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۵: ۹۹).

سه. حفظ و صیانت از جمهوری اسلامی: به باور امام، تمامی مردم باید به تکلیف واجب خود برای حفظ جمهوری اسلامی عمل نمایند: «تکلیف مال یک نفر یا دو نفر نیست، آحاد مردم یکی یکیشان تکلیف دارند، برای حفظ جمهوری اسلامی یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا، اهم است، از نماز اهمیتش بیشتر است، برای اینکه این حفظ اسلام است» (امام خمینی (ره)، ج ۱۹: ۴۸۷).

چهار. حفظ وحدت و اجتناب از اختلاف: در نگاه امام خمینی ره حفظ وحدت جامعه یک تکلیف همگانی به شمار می‌آید: «یک تکلیف عمومی هست و آن اینکه همه ما با همه قدرت و قوت که داریم سعی کنیم این نهضت محفوظ بماند، این وحدت کلمه محفوظ بماند. هر فردی هر مقداری که قدرت دارد، سعی بکند این وحدت کلمه و این اسلامیت نهضت محفوظ بماند اگر این محفوظ ماند ما پیروزیم، هیچ شک نکنید» (امام خمینی (ره)، ج ۱۷: ۳۱۶). در این رابطه امام حتی در شرایطی - مثل انتخابات - که زمینه اختلاف و تفرقه فراهم است نیز مصداق چنین وظیفه‌ای را تأکید می‌نمایند: «مردم در انتخابات موظفند، موظف شرعی هستند که اختلافات کوبنده را از آن دست بردارند و این امری است که بین همه هست یعنی یک تکلیف متوجه به همه هست.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۸: ۱۷۳).

چهار. تکلیف نظامیان

به اعتقاد امام (ره) ماهیت ارتش اسلام و کفر متفاوت بوده و ارتش اسلام حسب وظیفه شرعی تنها می‌تواند اهداف و اشخاص نظامی دشمنان را سرکوب نماید: «فرق ارتش ما و ارتش آن‌ها این است که ارتش ما دستش بسته است. ارتش ما اسلام برایش تکلیف معین کرده، ارتش آن‌ها دستشان باز است. توپ، موشک زمین به زمین به اصطلاح خودشان می‌اندازند، یک شهر هم همه‌اش خراب کنند. آن وقت تبریک می‌شنوند. ارتش ما نمی‌کند... ارتش ما فقط موارد جنگی آن‌ها و اشخاص که مخالف اسلام و تهاجم بر ضد اسلام کردند، می‌کوبد و خواهد کوبید.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۲: ۲۹۹)

پنج. تکلیف دانشجویان

در دیدگاه امام نخبگان فکری و علمی به مثابه مغز متفکر جامعه، تکالیف مهمی بر دوش دارند: «تکلیف مهم، آنی است که متوجه به این قشر است، و این قشر یعنی روحانیون، دانشگاه‌ها و دانشجویان آنکه مغز متفکر جامعه است همین دو طایفه اند. این‌ها مغز متفکرند. دانشگاه‌ها، چه آن‌ها که از دانشگاه بیرون آمده‌اند... چه این قشر روحانی که مشغول تحصیل‌اند و یا از تحصیل فارغ شده‌اند و مشغول ترویج و کارهای دیگر هستند، مغز متفکر جامعه شما دو

طایفه هستید.... تکلیف برای شما دو طایفه از سایرین زیادتر است و مسؤولیتتان بسیار زیاد، همه مسؤولند لکن شما دو طایفه مسؤولیتتان زیادتر است» (امام خمینی (ره)، ج ۸: ۴۶۴). از اینروست که در دیدگاه امام دانشجویان و فرهنگیان و وظیفه صیانت جامعه در برابر انحرافات را بر عهده دارند: «وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷: ۷۱).

۴-۳. ارکان تکلیف‌گرایی در اندیشه امام خمینی (ره)

در حال حاضر، دیدگاه‌های مختلفی نسبت به تکلیف و وظیفه‌گرایی مطرح است. کلیدی‌ترین سؤال در رابطه با تکلیف‌گرایی این سؤال است: اینکه آیا تکالیف «بر» انسان است یا «برای» انسان؟ تکالیف امری تحمیلی بر انسان هستند یا به حقوق انسانی باز می‌گردند؟ در پاسخ به این سؤال، دو رویکرد شکل گرفته است. در رویکرد اول، تکلیف منافی با حق‌مدار بودن بشر بوده و لذا تکلیف امر زایدی می‌باشد که بر دوش بشر نهاده شده است. در رویکرد دوم، تکلیف ملازم با حقوق انسان است. در تعالیم دینی، بایدها و نبایدهای تکلیفی به حق تعالی انسان بر می‌گردد. دیدگاه امام ره متناسب با رویکرد دوم است. از آن جهت که در دیدگاه امام ره، «دین اسلام یک دین سیاسی است. یک دینی است که همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش» (امام خمینی (ره)، ج ۱۰: ۱۵). لذا مصادیق و ارکان تکلیف‌گرایی حداکثری، جامع و موسّع بوده و عرصه‌های عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصاد و امنیتی حیات انسان را در بر می‌گیرد. از این جنبه امام خمینی (ره) در مقابل متفکرانی که نگاه حداقلی و فردی به دین دارند نگاه حداکثری و جمعی به دین داشته و احکام دینی را فردی و اجتماعی می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۰۵).

۴-۳-۱. رکن عبادی تکلیف‌گرایی

در دیدگاه امام، تزکیه نفس و خودسازی به مثابه یک تکلیف مورد توجه قرار گرفته است: «این عالم، دار ظلمت است: «ظلمات بعضها فوق بعض». اگر ما تکلیف خودمان را دانستیم و بیدار شدیم و فهمیدیم که باید سیر کنیم «الی الله»؛ باید مجاهده کنیم برای خدا و قیام کنیم برای خدا و در همه ابعادی که هستیم.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۰: ۲۴۳). انسان در مسیر تعالی و کمال نه تنها باید زمینه خروج خود از ظلمت به نور را فراهم سازد بلکه می‌بایست مانع معصیت دیگران نیز گردد: «اگر انسان دید معصیت خدا می‌شود باید جلوی او را بگیرد. نگذارد معصیت

خدا بشود. همه ما مکلفیم همان طور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، مکلفیم که دیگران را هم همین طور دعوت کنیم» (امام خمینی (ره)، ج ۱۱: ۳۸۷).

۴-۳-۲. رکن سیاسی تکلیف‌گرایی

در منظومه فکری امام خمینی (ره) حضور، مشارکت و فعالیت در امر سیاست از منظر تکلیف‌گرایی قابل توجه است. به باور امام، حضور پیامبر (ص) در جنگ احد بخاطر تکلیف الهی بود و هرگز حضرت رسول (ص) نمی‌توانست از آن تخطی نماید: «کدام روز پیغمبر خالی از این مسائل سیاسی و اجتماعی بود، از جنگ بود، پیغمبر نمی‌دانست مگر در احد این قدر کشته می‌شود؟ لکن تکلیف بود، خدا گفته بود این را پیغمبر هم نمی‌توانست تخلف کند، امر خدا بود. خدا بیانات فرستاد و میزان فرستاد و حدید فرستاد تا اینکه ليقوم الناس بالقسط.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۵: ۲۸۷). از رهگذر تکلیف‌گرایی است که امام ره مسئله قیام و نهضت اسلامی را تحلیل و هدایت می‌کنند: «هر کس، هر فرد الان تکلیف دارد. تکلیف الهی دارد، تکلیف انسانی دارد، تکلیف وجدانی دارد که با این ایرانی‌هایی که الان ایستاده‌اند و فریاد می‌زنند، به این کمک بکنند. این‌ها دارند جانشان می‌دهند در راه ما و در راه اسلام، در راه ملت دارند می‌دهند» (امام خمینی (ره)، ج: ۲۷۸). امام در وصیت نامه سیاسی و اجتماعی خود بر لزوم باقی ماندن بر صراط مستقیم الهی به مثابه یک تکلیف تأکید دارند: «به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آن‌ها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند بوده» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷: ۲۹).

۴-۳-۳. رکن اقتصادی تکلیف‌گرایی

از منظر اقتصادی در دیدگاه امام خمینی (ره)، رفع وابستگی و دست یافتن به استقلال و خودکفایی یک اصل کلیدی و بنیانی تلقی گردیده و لازم است آحاد مردم به عنوان یک تکلیف به آن اهتمام داشته باشند: «تکلیف است برای کشاورزان و برای کسانی که می‌توانند کمک به کشاورزها امسال جوری بشود که ان شاءالله خودکفا بشویم و در سال‌های بعد صادرات داشته باشیم. یک تکلیفی است که الان به عهده ما، یعنی نجات دادن یک کشور اسلامی از زیر بار ظلم و از زیر بار استعمار، نجات دادن مملکت یک تکلیف است که انسان موظف است این کار بکند» (امام خمینی (ره)، ج ۱۱: ۴۲۵). امام لازمه‌های از یوغ استعمار را خوب کار کردن - به عنوان یک تکلیف - صاحبان حرفه و مشاغل مختلف در جامعه می‌داند:

«تکلیف ما چیست؟ تکلیف هر یک از ما و هر یک از افراد ملت این است که آن کاری را که می‌کند خوب انجام بدهد... خوب کار بکند، جدی کار بکنید، کشاورزهایمان جدی کار بکنند، کارگرهایمان جدی کار بکنند. گول آن‌ها که می‌خواهند ما را دوباره برگردانند به حال سابق به اینکه وابسته به هر چیزمان به خارج باشد گول این‌ها را نخورند» (همان، ج ۱۰: ۳۹۲). امام ره رسیدن به پیشرفت را برای هر ملتی که عمل به تکلیف اقتصادی نماید برخلاف تصور و تبلیغات رایج ممکن می‌داند: «خیال نکنید که فقط آن‌ها می‌توانند که این کارها را بکنند، آن طوری که تبلیغاتشان تاکنون در گوش ما خوانده شده است که باید وابسته باشیم... ما کوشش خودمان را می‌کنیم تکلیف خودمان را عمل می‌کنیم.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۶: ۹۴۱).

۴-۳-۴. رکن اجتماعی تکلیف‌گرایی

امام خمینی نگاهی فضیلت‌گرا و آرمانی به آینده جامعه اسلامی دارد. تحقق جامعه مطلوب که رسیدن سعادت افراد جامعه در آن ممکن باشد هدفی است که ایشان در سایه عمل به تکلیف آن را دنبال می‌کند: «لکن ما مقصودمان نبود که فقط رای بدهیم و به جمهوری اسلامی برویم کنار، ما جمهوری اسلامی را می‌خواهیم که احکام اسلامی در آن جمهوری تحقق پیدا بکند و امید است که سرتاسر کشور، همه جا اسلامی باشد و این آینده جهان را به دست خودمان بسازیم». امام خمینی ره همواره بر تکلیف‌شناسی به عنوان امری بدیهی برای دنبال کردن مسیر سعادت فردی و جمعی تأکید دارند: «کشور متمدنی این است که افرادی متمدنی باشند. فرد متمدنی آن است که وظیفه‌شناس باشد. (وظایف الهی‌اش - وظایف اداری‌اش) اگر انسان وظیفه‌شناس باشد متمدنی است، یک انسان عادل است» (امام خمینی (ره)، ج ۹: ۱۷). امام خمینی ره اصلاح جامعه را در عمل به وظیفه‌همگانی امر به معروف و نهی از منکر می‌داند: «کوشش کنید زیر پرچم اسلام بروید. هر مقداری که می‌شود خودتان و هر کس را با آن آشنا هستید، هر مجلسی که پیدا می‌شود، ببینید که یک کسی از این پوشش اسلامی می‌خواهد یک قدری کنار برود دعوتش کنید. امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۱: ۳۸۷).

۴-۳-۵. رکن امنیتی تکلیف‌گرایی

اصل تکلیف‌گرایی همچنین در نگاه امنیتی امام خمینی نیز حاکم است. امام (ره) در بحبوحه جنگ حضور جوانمردانه در جبهه‌های نبرد را یک تکلیف اسلامی می‌داند: «یک تکلیف اسلامی و میهنی شما اقتضا دارد که به سوی جبهه‌ها جوانمردانه هجوم آورید و بکوشید

تا جامه ذلت ننوشید و بدانید اسلام، امروز احتیاج به شما جوانان برومند دارد. به سوی نبرد با کفر بشتابید و برادران عراقی خود را نجات دهید و برادران جان بر کف رزمنده جمهوری اسلامی را کمک کنید که فردا دیر است.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۶: ۳۷۶). در دیدگاه امام منشأ تهدید امنیتی در جامعه عدم وحدت و همراهی دستگاه‌های دولتی و مداخله نمودن در وظایف یکدیگر است. امام ره همدلی و همراهی قوای حاکمیتی را یک تکلیف - واجب شرعی - می‌داند: «باید همه‌ی این قوا دستشان را به هم دهند، این واجب شرعی است برای همه، یک واجب شرعی است برای وکلای مجلس که با دولت و با رئیس جمهوری همراهی کنند. یک تکلیف شرعی است برای رئیس جمهور و دولت، که باید با مجلس هم زبان باشند و هماهنگ باشند. عمل به وظیفه قانونی و مداخله نمودن در امور یکدیگر، اگر هماهنگ باشید ما بردیم.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۲: ۶۱).

۵. پیامدهای تکلیف‌گرایی

پیامدهای تکلیف‌گرایی در دو سطح فردی و اجتماعی قابل بررسی می‌باشد. تأثیر پیامدهای فردی تکلیف‌گرایی در پیامدهای اجتماعی تکلیف‌گرایی قابل پیگیری است. امام خمینی (ره) به عنوان یکی از بزرگترین عاملان امر تکلیف در ابعاد فردی و اجتماعی در فراز آخر وصیت نامه سیاسی - الهی خود، چنین می‌فرماید: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷: ۹۱). این آرامش روحی، نتیجه عمل به تکالیف الهی به منظور تکامل و رسیدن به رضایت خداوند می‌باشد.

در منظومه فکری امام خمینی (ره)، قاعده اولیه و حاکم بر تکلیف‌گرایی «اصل بودن تکلیف - فرع بودن نتیجه» است. چنین نگرشی در دیدگاه امام ره سبب شده است پیامد عمل به تکالیف در هر صورت پیروزی باشد. امام ره، با چنین دیدگاهی در واقع، فایده‌نگری را مورد نقد قرار می‌دهد. التزام به تکلیف‌گرایی همیشه در ظاهر نتیجه سودمندی را در پی ندارد. حال آنکه به باور امام ره، همیشه در بطن یک تکلیف یک پیروزی خواه ظاهری خواه باطنی نهفته است: «اگر ماها هم که برای خدا می‌خواهیم کار بکنیم، شکست هم بخوریم، تکلیف را عمل کردیم، و به حسب واقع هم پیروزی با ما خواهد شد» (امام خمینی (ره)، ج ۹: ۴۱۰). امام در رابطه با قاعده اولیه «اصل بودن تکلیف - فرع بودن نتیجه» چنین می‌فرماید: «این هیاهوها که در عالم

هست، این‌ها همیشه بوده و خواهد بود، لکن آن که باقی است خداست... وقتی کاری برای خدا باشد ما چه پیروز بشویم و چه نشویم، کارمان برای خداست، ما تکلیف ادا کردیم ما می‌خواهیم تکلیفمان ادا بشود. دنبال این نیستیم یک منصبی به دست بیاوریم.» (امام خمینی (ره)، ج ۲۰: ۸۰).

در نگاه امام (ره)، برای مقاصد و ارزش‌های والا می‌بایست رنج‌ها و جان‌نثاری‌های زیاد تحمل کرد. امام خمینی (ره) در پایان وصیت‌نامه خود، بالاترین پیامد تکلیف‌گرایی را حفظ مکتب الوهیت و برپایی مکتب محمدی (ص) که هدف و تلاش تمام انبیا و اولیا برای راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت است، می‌داند: «آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپا خاستید... والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و پس از این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن دایره‌ی توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است و آن در مکتب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده و کوشش تمام انبیای عظام (علیهم سلام الله) و اولیای معظم (سلام الله علیهم) برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷: ۹۰)

۶. بزرگترین تکلیف

بر اساس مبانی فکری و اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) حفظ جمهوری اسلامی از بزرگترین تکالیف است: «حفظ نظام جمهوری اسلامی... از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷؛ ج ۱۹: ۱۵۳). در نگرش سیاسی امام خمینی (ره)، حفظ جمهوری اسلامی در واقع زمینه‌ای برای بالاترین تکلیف یعنی پاسداری و صیانت از «اسلام» است. امام حسین (ع)، فلسفه قیام خود را اصلاح امت پیامبر (ص) و امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. «إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (قمی، ۱۴۰۵: ق ۷۴) امام خمینی نیز به تبعیت از امام حسین (ع)، در این رابطه چنین می‌فرماید: «شما آقایان که الان پاسدار انقلاب هستید یعنی انقلاب اسلامی، همان طور که از انقلاب پاسداری می‌کنید، تکلیف بالاتر این است که از اسلام پاسداری بکنید.» (امام خمینی (ره)، ج ۸: ۳۸۰). امام خمینی (ره) پاسداری و صیانت از اسلام را نه «بزرگترین تکلیف» که «تکلیف همگانی» به شمار می‌آورد: «تکلیف همگانی، حفظ حیثیت اسلام است.» (امام

خمینی (ره)، ج ۱۰: ۱۸۱). با توجه به اینکه جمهوری اسلامی در نگاه امام نماینده حکومت اسلامی در دنیای معاصر است از اینرو همواره بر مسئولیت سنگین برای حفظ و جاهت اسلام تأکید دارند: «لهدا امروز تکلیف ما بسیار سنگین است، تکلیف ما حفظ و جاهت اسلام است. تکلیف ما این است که با اعمال خودمان، با گفتار و رفتار خودمان اسلام را ترویج کنیم و جاهتش را حفظ کنیم و اگر خدای نخواستہ یک انحرافی باشد باید جلوگیری کنید.» (امام خمینی (ره)، ج ۱۰: ۳۰۳). به نظر می‌رسد از مجموع دیدگاه‌های حضرت امام (ره) بتوان چنین استنباط کرد که در دیدگاه ایشان، مسئولیت و تکلیف کارگزاران حکومت و مردم با تشکیل نظام جمهوری اسلامی نسبت به دوران مبارزاتی که مردم برای سرنگونی رژیم پهلوی تلاش می‌کردند به مراتب بیشتر و سنگین‌تر است. بر اساس دلالت عقلی نیز می‌توان چنین نتیجه گرفت که «کسب» و «حفظ» انقلاب اسلامی هر چند دو گام پیوسته و خطیر است اما واقع امر آن است که حفظ آن به مراتب سخت‌تر و دشوارتر است. چرا که پاسخ‌گویی به انتظارات و دفع دشمنی‌ها نیازمند درایت، بصیرت، کاردانی و هنرمندی است.

نتیجه‌گیری

این مقاله در پاسخ به این سؤال اصلی به نگارش درآمده است: «ابعاد نظری و عملی اصل تکلیف‌گرایی در منظومه فکری امام خمینی ره چیست؟». در پاسخ به این سؤال اصلی، نگارندگان به تفاوت نگرش متفکران غربی — همچون کانت — و متفکران اسلامی به مسئله تکلیف پرداخت. مهم‌ترین وجه تفاوت در این دو نگرش، تأکید متفکران غربی بر بعد اخلاقی تکلیف‌گرایی و تأکید متفکران اسلامی بر بعد الهی تکلیف‌گرایی است. امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی نقطه عزیمت نهضت اسلامی را در انجام تکلیف الهی می‌داند و با پیروزی انقلاب اسلامی؛ حفظ و تداوم قدرت اسلام را، همچنان در شناخت تکلیف و التزام آحاد جامعه اسلامی به آن در عرصه عمل بر می‌شمارد. منظومه فکری و سیره عملی امام خمینی (ره)، بیانگر پرچم‌داری ایشان در تکلیف‌گرایی است. مهم‌ترین محورهای مسئله تکلیف‌گرایی در دیدگاه امام خمینی به قرار زیر است:

یک. در نگرش امام خمینی (ره)، تکلیف‌گرایی بر پایه قاعده اولیه «اصل بودن تکلیف - فرع بودن نتیجه» استوار شده است. این قاعده همانطور که در مقاله ذکر شد در دیدگاه امام خمینی (ره) با بنیان‌های هفتگانه تکلیف‌گرایی تفسیر می‌شود. «تکلیف به مثابه منشأ عمل»، «تکلیف یک امر همگانی»، «محدوده تکلیف، توان انسان»، «درونی و عقلانی بودن احساس

تکلیف»، «شرعی بودن امر تکلیف»، «پیروزی مطلق در عمل به تکلیف»، «واجب بودن ادای تکلیف» بنیان‌های هفتگانه تکلیف‌گرایی در دیدگاه امام خمینی (ره) هستند.

دو. حضرت امام (ره) برای تدقیق تکلیف‌گرایی به سیره ائمه اطهار علیهم السلام تمسک می‌جوید. به اعتقاد امام ره، امام حسین (ع) مأمور به انجام تکلیف شرعی بوده و علی‌رغم شکست ظاهری از سپاه یزید، اما در واقع پیروز حقیقی است. امام (ره) با گوشزد کردن این مهم برای جامعه مسلمانان بر این نکته تأکید دارد که «عامل به تکلیف» در هر شرایطی - پیروزی یا شکست - بخاطر جلب رضایت حق تعالی، سرفراز و عزتمند است.

سه. امام (ره) با شمردن تکالیف برای انواع و اقسام مردم مانند روحانیون، دانشجویان، نظامیان، کشاورزان، و توده مردم سعی به آگاه کردن مردم به تکالیفشان دارد. در نگاه امام ره، انسان بی‌تکلیف و بی‌مسئولیت در ابعاد فردی و اجتماعی هرگز وجود ندارد. تکالیف ممکن است حسب استعداد و توان متفاوت باشد اما این امر به معنای، تعلق داشتن تکلیف به یک فرد یا گروه خاص و مستثنی شدن فرد یا گروه دیگر از تکلیف‌گرایی نیست.

چهار. در دیدگاه امام خمینی (ره) تکلیف‌گرایی در دو سطح فردی و اجتماعی قابل پیگیری است. ارکان تکلیف‌گرایی نیز عبادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی می‌باشد. **پنج.** در نگرش امام (ره)، حفظ نظام جمهوری اسلامی از آن جهت که عامل صیانت و جاهت اسلام است؛ بالاترین تکلیف به شمار می‌آید.

شش. در دیدگاه امام خمینی (ره) پیامد تکلیف‌گرایی برای خود؛ دلی آرام و قلبی مطمئن و برای جامعه اسلامی؛ حفظ الوهیت می‌باشد که در مکتب محمدی (صلی اله علیه و آله) متجلی شده است.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- **نهج البلاغه** حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) (۱۳۷۹). گردآوری سید شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، چاپ هفتم، قم: نشر مشرقین.
- احمدی طباطبایی، سید محمد رضا (۱۳۸۷). **اخلاق و سیاست رویکردی اسلامی و تطبیقی**، تهران: امام صادق علیه السلام.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). «جایگاه هرمنوتیک در پژوهش‌های سیاسی اسلام»، **در روش‌شناسی مطالعات سیاسی اسلام**، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) - امام خمینی. روح‌الله (۱۳۲۳). **کشف الاسرار**. بی‌نام.
- امام خمینی. روح‌الله (۱۳۷۳). **ولایت فقیه**. چاپ اول. تهران: نشر عروج.
- امام خمینی. روح‌الله (۱۳۷۸). **وصیت نامه امام خمینی (ره)**. چاپ چهاردهم. تهران: نشر فردوس.
- امام خمینی. روح‌الله (۱۳۷۹). **صحیفه امام**. ج ۱ تا ۲۲. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹). **استراتژی پژوهش‌های اجتماعی**، ترجمه هاشم آقابلیگی، تهران: جامعه‌شناسان.
- پولادی. کمال (۱۳۸۳). **تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از مکیاولی تا مارکس**. تهران: مرکز
- پولادی. کمال (۱۳۸۵). **تاریخ اندیشه سیاسی در غرب قرن بیستم**. تهران: مرکز
- جمشیدی. محمدحسین (۱۳۸۴). **اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- جوادی آملی. عبدالله (۱۳۸۵). **حق و تکلیف در اسلام**. چاپ دوم. قم: نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبد‌الله (۱۳۸۷). **جامعه در قرآن**، محقق مصطفی خلیلی، قم: اسراء
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). **اصول و روش‌های پژوهش کیفی**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- دباغ، سروش (۱۳۸۸). «فضیلت‌گرایی در دیانت نتیجه‌گرایی در سیاست»، **روزنامه اعتماد**، ۱۳۸۸/۰۱/۲۷.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶). **مدارا و مدیریت**، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
- شریعت، فرشاد و نادری، مهدی (۱۳۹۲). **انقلاب اسلامی و بازخوانی رهیافت‌های اخلاق و سیاست در ایران معاصر**، **فصلنامه رهیافت‌های انقلاب اسلامی**، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۲.
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۰). **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران: نور علم
- فتیحی، یوسف (۱۳۸۷). **مناسبات مصلحت و تکلیف در اندیشه سیاسی امام خمینی ره**، **فصلنامه انقلاب اسلامی**، سال ۱۳، تابستان ۱۳۷۸.
- قزوینی. سید محمد کاظم (۱۳۸۹). **زینب کبری (ع) از ولادت تا شهادت**. ترجمه کاظم حاتمی طبری. چاپ پنجم. انتشارات همگرا.
- قمی. عباس (۱۴۰۵ق). **نفس المهموم**. قم: مکتبه بصیرتی.
- کانت. ایمانوئل (۱۳۷۸). **فلسفه اخلاق کانت**. ترجمه منوچهر صاعنی دره بیدی. چاپ اول. انتشارات نقش و نگار.
- کاووس، سید امامی (۱۳۹۱). **پژوهش در علوم سیاسی (رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری، و انتقادی)**. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- لاهیجی. حکیم فیاض (۱۳۷۲). **گوهر مراد**. چاپ اول. تهران: وزارت ارشاد.
- مجلسی. محمدباقر (۱۳۷۳). **بحارالانوار**. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- محمودی، سید علی (۱۳۸۳). **فلسفه سیاسی کانت**، تهران: نگاه معاصر.
- مطهری. مرتضی (۱۳۶۱). **گفتارهای معنوی**. چاپ اول. تهران: نشر صدرا.
- مطهری. مرتضی (۱۳۶۶). **فلسفه اخلاق**. چاپ اول. تهران: نشر صدرا.
- مک‌ناب، دیوید ای (۱۳۹۴). **روش تحقیق در علوم سیاسی (رویکرد کیفی و کمی)**، تهران: دانشکده اطلاعات.
- واعظی، احمد (۱۳۸۶). **درآمدی بر هرمنوتیک**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هزاوه‌ای، سید مرتضی و سلطانی بیرامی، سکینه (۱۳۹۴). بررسی جایگاه اصل تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی ره، **فصلنامه انقلاب اسلامی**، سال ۱۲، پاییز ۱۳۹۴.
- یثربی کاشانی، محمد (۱۳۸۴). **سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام**، قم: فرهنگ آفتاب.